

در بورس تهران چه می‌گذرد؟

تحقیق و گزارش:
از قدرت‌الله حسن‌زاده

در بزرگ‌ترین معامله تاریخ بورس ایران و در یک رقابت تنگاتنگ بین کارگزاران نمایندگی‌های شرکت‌های میتسویشی (گرامی) زیراکس (علاقبند) و یک شرکت سوم که اسامی صاحبان آن تا یک ماه و چند روز بعد از فروش اعلام نشد، شرکت ایران وانت به قیمتی حدود هفت میلیارد تومان به کارگزار شرکت سوم (زرگانی نژاد) فروخته شد.

فروش شرکت ایران وانت در بورس تهران که طبق برآورد لایحه بودجه سال ۷۳ می‌بایست مبلغ ۶ میلیارد و ۳۳۴ میلیون و ۷۹۰ هزار ریال مالیات به دولت بپردازد، بورس تهران را وارد مرحله جدیدی از فعالیت کرد و سبب جلب توجه ویژه‌ای به آن شد. گزارش زیر به نقش بورس در فعالیت‌های اقتصادی جهان معاصر، و نیز بررسی عملکرد بورس سهام ایران پرداخته است

«بورس» امروزه به عنوان مکانی برای معامله اوراق بهادار و یکی از مراکز بازار مالی در تعدادی از کشورها بشمار می‌رود.

اهمیت بازار بورس در هر کشور بستگی مستقیم به درجه توسعه یافتگی اقتصادی، اجتماعی و میزان فعالیت بخش خصوصی آن دارد. بورس سهامی محلی است که مردم اسناد مالکیت شرکت‌ها را با هم مبادله می‌کنند.

ایجاد و استمرار فعالیت بورس در هر کشور به واسطه یک سری دلایل و ضرورت‌های اقتصادی - اجتماعی و تاریخی خاص امکان‌پذیر شده است. به عنوان نمونه می‌توان به بورس‌های توکیو و لندن اشاره کرد: سابقه بورس توکیو به انتشار اوراق قرضه ویژه‌ای برای سامورانی‌ها توسط حکومت «میجی» برمی‌گردد. این حکومت قصد داشت با این اوراق که نوعی مقرری بازنشستگی محسوب می‌شد، زندگی این طبقه جنگجو را در مقابل اضمحلال ملوک الطوائفی تضمین کند. سابقه بورس لندن رانیز باید در تلاش معامله‌گران قهوه‌خانه‌جاتان واقع در کوچه چنج لندن جستجو کرد. این معامله‌گران برای جلوگیری از ورود اشخاص و اوراق بهادار مشکوک به جریان معاملات، در سال ۱۷۶۲ اقدام به تأسیس باشگاه بورس جانانان کردند و همین باشگاه در طول زمان تکامل یافت و به صورتی درآمدک امروزه ما آن را با عنوان بورس لندن می‌شناسیم.

در جهان معاصر مهم‌ترین وظیفه بورس ایجاد یک بازار پیوسته برای اوراق بهادار پذیرفته شده در آن است. ویژگی بازار پیوسته این است که مقادیر زیادی اوراق بهادار، بدون تغییر زیاد در قیمت آن‌ها مورد معامله قرار می‌گیرد.

معبر جهان فقط شرکت‌هایی را می‌پذیرند که دارای حداقلی از سهامداران باشند. شرط پذیرش در بورس نیویورک وجود حداقل ۲۰۰۰ سهامدار است که تعداد سهام هر یک از آن‌ها نیز حداقل ۱۰۰ سهم باشد. این رقم در بورس تهران به وجود ۱۰۰ سهامدار محدود می‌شود. معروفیت و بزرگی شرکت پذیرفته شده در بورس باعث می‌شود تا بازار معاملات آن پیوسته‌تر باشد. به همین سبب بورس‌های بزرگ جهان از پذیرش شرکت‌های کوچک امتناع می‌کنند. داشتن حداقل هجده میلیون دلار سرمایه اولیه یکی دیگر از شرایط پذیرفته شدن در بورس نیویورک است. این رقم در مورد بورس تهران ۱۰۰ میلیون تومان است.

روتی بازار بورس هر کشور علاوه بر درجه توسعه یافتگی آن، رشد فرهنگ بورس، وضعیت نقدینگی و پس‌انداز مردم، رونق اقتصادی و رشد صنایع، بستگی مستقیمی به نوع نگرش دولت‌ها در رابطه با نقش مردم در سرنوشت اقتصادی‌شان نیز دارد. اگر دولتی مخالف تمرکز قدرت اقتصادی در دست عده‌ای محدود باشد می‌بایست از شیوه عرضه عمومی سهام استفاده کند. این سیاست موجب تقویت بازار سهام می‌شود.



با شروع برنامه توسعه اول اقتصادی ایران دولت اعلام کرد که قصد دارد در روند اجرای این برنامه، سیاست

یک بازار پیوسته دارای چهار ویژگی زیر است:

۱- دفعات معامله در آن بسیار زیاد است. تکرار معامله روی اوراق بهادار در یک بازار بورس نشان از درجه پیوستگی سهام آن می‌دهد. مثلاً اکنون تعدادی از سهام ۸۵ درصد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیویورک همه روزه خرید و فروش می‌شود. میانگین خرید و فروش سهام کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در طول هفته شامل ۱۰۰ میلیون سهم ۹۵ درصد از مجموع شرکتهای پذیرفته شده در بورس نیویورک می‌شود. و این در حالی است که این رقم در بورس تهران به کمتر از ۲۰ درصد می‌رسد.

۲- پایین قیمت‌های پذیرفته شده خریداران و فروشندگان اوراق بهادار اختلاف زیادی وجود نداشته باشد.

۳- در بازار پیوسته، معاملات به سرعت انجام می‌گیرد و فاصله زمانی بین دادن سفارش بوسیله مشتری و تحویل شدن معامله بوسیله کارگزار فقط چند دقیقه است.

۴- تغییر قیمت در یک معامله نسبت به معامله دیگر بسیار کم است و مشتری با دیدن قیمت آخرین معامله می‌تواند اطمینان داشته باشد که بهای سهام مورد نظرش نزدیک به قیمت آخرین معامله است.

یک بورس اوراق بهادار زمانی می‌تواند پیوسته باشد که شرکت‌های پذیرفته شده در آن دارای سهامداران بسیاری باشند. به همین علت بورس‌های

خصوصی‌سازی را پیاده کند. معمولاً یکی از اهداف مهم دولت‌ها در خصوصی‌سازی، گسترش مالکیت سهام بین مردم است تا با جلب سرمایه و مشارکت غیرمستقیم، رشد کارآئی مراکز اقتصادی تضمین شود و توزیع عادلانه ثروت نیز حتی‌الامکان تحقق یابد. ولی نیل به چنین اهدافی زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که دولت سیاست‌های مشخصی را اتخاذ و اعمال کند و اطلاعات صحیح و قابل اتکا در مورد خصوصی‌سازی، ارزش‌گذاری سهام، و وضعیت مالی شرکت‌ها را در اختیار عموم مردم قرار دهد.

پیشینه بورس در ایران

پیرو قانون مصوب اردیبهشت ۱۳۴۵ مجلس شورای ملی وقت، بورس اوراق بهادار تهران در بهمن ۴۶ فعالیت خود را شروع کرد. تا پایان آن سال فقط دو شرکت به عضویت بورس پذیرفته شدند. تا سال ۱۳۵۳ تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس به ۴۳ واحد رسید. با افزایش درآمد‌های نفتی، فعالیت بورس نیز اوج گرفت و در پایان سال ۱۳۶۵، ۱۰۲ شرکت به عضویت بورس درآمدند. علاوه بر این، ۲۴ بانک هم در گروه شرکت‌های پذیرفته شده بودند.

از آغاز سال ۱۳۵۷، به خاطر فرار سرمایه‌داران و رکود کارخانه‌ها فعالیت بورس کم و کمتر شد و در طول این سال فقط سه شرکت بر تعداد شرکت‌های عضو بورس افزوده شد، در سال‌های ۵۸ و ۵۹ به دلیل ملی شدن صنایع و بانکها، و مصادره بسیاری از واحدها، عضویت در بورس به کلی محدود شد.

پس از تصویب قانون ملی شدن بانکها و شرکت‌های بیمه در ۱۷ خرداد ۵۸، اسامی کلیه بانکها و شرکت‌های بیمه‌ای که در فهرست بورس قرار داشت به دلیل ملی شدن حذف شد.

همچنین با تصویب قانون محافظت و توسعه صنایع ملی ایران در تیر ۱۳۵۸ نام تعدادی از شرکت‌ها هم از فهرست بورس خط خورد.

نهایتاً پس از تصویب لایحه قانونی مصوب ۲۰ اردیبهشت ۵۹ شورای

اینک فقط شرکتهای سودده دولت در بورس عرضه می شود

انقلاب، نام شرکت انبارهای عمومی ملی هم از فهرست بورس اوراق بهادار حذف شد.

بعد از یک دهه سیر نزولی، در سال ۱۳۶۸ بورس فعالیت مجدد خود را از سر گرفت و در شهریور ۱۳۷۱ تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در آن به ۱۰۵ واحد رسید که معادل واحدهای پذیرفته شده تا پایان سال ۵۷ بود.

دکتر علی جهانخانی استاد دانشگاه و کارشناس بورس در پاسخ به این سؤال که بورس ایران به خاطر کدام ضرورت تاریخی یا نیاز اجتماعی - اقتصادی در ایران پا گرفت می‌گوید:

اصولاً بورس نهادی است که همپای نیاز صنایع و سرمایه‌گذاران رشد پیدا می‌کند. وقتی تاریخچه بورس را در کشورهای غربی ملاحظه کنید می‌بینید که با انقلاب صنعتی شروع می‌شود و با رشد صنایع پیش می‌رود اما این روند طبیعی تشکیل و رشد بورس را ما در ایران نمی‌بینیم. یعنی وقتی در اواخر دهه ۴۰ بورس تهران تشکیل شد، شروع کار آن به لحاظ تصویب یک قانون بود نه به لحاظ نیاز صنایع. چرا که در آن زمان ما به لحاظ صنعتی در حد پائینی بودیم و تعداد شرکت‌های واجد صلاحیت هم به میزان محدودی وجود داشت. تعداد زیادی از آن شرکت‌ها خانوادگی بودند و اصولاً نیازی نداشتند که بیایند و سرمایه لازم برای بسط فعالیت خود را جمع‌آوری کنند. به نظر می‌رسد که تشکیل بورس در رابطه با «انقلاب سفید» شاه بود و بنیانگذاران آن می‌خواستند برای فیوض اصلاحات اراضی بنحوی در بازار قابلیت فروش ایجاد کنند و از همین راه نیز زمینه تشکیل یک بازار سرمایه را فراهم آوردند. اگر فعالیت بورس در ایران را مرور کنیم درمی‌یابیم رشد آن تا زمانی که دولت قوانین جدیدی را راجع به معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌هایی که در بورس شرکت کنند وضع کرد، مطلوب نبوده است. دولت همچنین قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی را تصویب کرد که بر اساس آن شرکت‌ها مجبور بودند تا پنجاه درصد سهام خود را به مردم واگذار کنند. «دکتر جهانخانی» در مورد اینکه

این اقدام با چه انگیزه‌ای انجام شد می‌گوید:

- این یک قانون خوب است، و مشابه آن را کشورهای صنعتی هم تا حدودی اجرا کرده‌اند. اجرای چنین قوانینی می‌تواند یک نوع عدالت اجتماعی را به دنبال داشته باشد. یعنی این قانون باعث می‌شود که تمام آحاد مردم در مالکیت واحدهای اقتصادی شریک شوند و یک نوع سیستم سوسیالیستی را در کنار نظام سرمایه‌داری قرار می‌دهد.

«دکتر جهانخانی» در مورد چگونگی اجرای این قانون در شرایط کنونی می‌گوید:

- بعد از انقلاب اجرای این قانون سست شد. و اکنون چیزی که دارد اتفاق می‌افتد روند خصوصی‌سازی صنایع است. براساس مصوبه هیأت دولت پیش‌بینی شده بود که این خصوصی‌سازی از طریق بورس انجام شود و سهام به تعداد زیادی از افراد فروخته شود. اینطور نیست که یک نفر بیاید و سهام را یک جا بخرد، بلکه باید عده زیادی سهم خریداری کنند تا نتایج مورد نظر از قانون مورد بحث عاید شود. البته از ابتدا پیش‌بینی می‌شد که بورس نسبی نتواند جوابگویی سیاست خصوصی‌سازی باشد. چرا که تعداد شرکت‌هایی که دولت در اختیار دارد زیاد است و بورس ما هم هنوز رشد لازم را پیدا نکرده است. فرهنگ خرید سهام هنوز بین مردم ایران جا نیفتاده است بنابراین انتظار می‌رفت که دولت نتواند سهام کارخانجات خود را از طریق بورس بفروشد، به همین جهت بعداً مصوبه‌هایی را گذراندند که به موجب آن‌ها امکان واگذاری تعداد زیادی از سهام به عده‌ای محدود فراهم شد. و چنین است که در شرایط کنونی یک یا چند سرمایه‌دار می‌توانند کلیه سهام یک واحد صنعتی را خریداری کنند و مالکیت آن را دارا باشند.

هدف‌هایی که تغییر کرد

«دکتر جهانخانی» در پاسخ به این سؤال که چرا کارگزاران و یا مسؤولان بورس حاضر نیستند سهام فروخته شده

به مردم یا خریداران خرده پا را مجدداً بخردند می‌گوید:

- خصوصی‌سازی هدف نیست، بلکه وسیله است. باید ببینیم که دولت چه اهدافی را در رابطه با صنعت و اقتصاد دنبال می‌کند و بعد ببینیم که آیا با این خصوصی‌سازی توانسته به آن اهداف برسد؟ معمولاً اهدافی که در خصوصی‌سازی مد نظر قرار می‌گیرد شامل اموری از قبیل بهبود کارآیی در صنعت، دخالت مردم در مسائل اقتصادی، کاهش نقش دولت در فعالیت‌ها و به اصطلاح کاهش دولت‌سالاری، گسترش مالکیت و توزیع عادلانه ثروت و درآمد است.

همانطور که اشاره کردم در مصوبه اولیه دولت در این زمینه، اهداف اجتماعی بیشتر مورد توجه بود ولی این اهداف عملی نشد. دلایل این عدم توفیق نیز متعدد است.

اول اینکه بورس ما توانایی توزیع و فروش سهام این همه کارخانه را نداشت. از طرف دیگر خود مردم هم توانایی مالی خرید این سهام را ندارند. در خیلی از کشورهای سوسیالیستی برای انتقال مالکیت صنایع به مردم دولت‌ها ابتدا کوپن‌هایی چاپ کردند و به دست مردم دادند تا با آن سهام بخردند یعنی اول دولت آمد قدرت خرید را در اختیار مردم گذاشت و بعد از این طریق سهام را به آنان فروخت. در آن جا هدف توزیع ثروتی بود که دولت در اختیار داشت ولی در اینجا هدف دولت یک مقدار تأمین کسری بودجه و تأمین درآمد برای خود بود و به همین دلیل یک مقدار هفت فروشی و حداقل ارزان فروشی جزو اهداف کم‌رنگش بود و نوباً بودن بورس هم نتوانست جوابگویی انتظارات مردم باشد.

خیلی از مردم با هدف سفته‌بازی وارد بورس شدند. هدف آن‌ها این بود که سهمی را بخردند و بعد از مدتی کوتاه آن را با سود بفروشند. این پروسه‌ای بود که برای مدت زیادی نمی‌توانست ادامه داشته باشد.

این وظیفه دولت و مسؤولان بورس است که مردم را در جریان ریسک سرمایه‌گذاری قرار دهند و از تبلیغات

بی‌اساس که سرمایه‌گذاری در سهام ریسک ندارد خودداری کنند تا مردم با چشمان باز اقدام به خرید سهام کنند.

در مورد اشکالاتی که در بورس تهران وجود دارد «دکتر جهانخانی» می‌گوید:

- اشکالات بورس تهران به دو عامل درونی و بیرونی برمی‌گردد: از جمله محدودیت‌های بیرونی آن می‌توان به پائین بودن سطح درآمد و پس‌انداز مردم اشاره کرد. یعنی در جامعه‌ای که درآمد مردم پائین است و اصولاً شرایط پس‌انداز کردن برای خیلی‌ها وجود ندارد امکان اینکه بتوانند سهام بخردند وجود ندارد. بنابراین باید زمینه‌افزایش درآمد سرانه و توزیع مناسب ثروت فراهم شود. دوم اینکه سرمایه‌گذاری در سهام فرآیند مشکلی است که مردم ما با آن آشنا نیستند. معمولاً در کشورهای دیگر قبلاً از اینکه مردم را به سرمایه‌گذاری در سهام تشویق کنند سعی آید آن‌ها را به خرید اوراق ساده‌تری که ریسک کمتری هم دارد (مثل اوراق قرضه) ترغیب می‌کنند. این‌ها اوراقی است که مردم نسبت به برگشت پولی که بابت آن پرداخته‌اند اطمینان دارند.

در مرحله بعد اوراق شرکتی را می‌فروشند و نهایتاً به اوراق پیچیده‌ای مثل سهام می‌رسند.

سوم آموزش مردم و بررسی و تجزیه و تحلیل اوراق بهادار مطرح است که متأسفانه این کار تا به حال انجام نشده است و حتی در دانشگاه‌های ما هم چنین دروسی تدریس نمی‌شود. بنابراین به جرأت می‌توانیم بگوئیم که بالغ بر ۹۵ درصد مردم نمی‌دانند که سهام چیست؟ و چه ریسک، منافع، مضرات و بازیهای دارد و چگونه می‌توان آن را شناخت و انتخاب کرد؟ در چنین شرائطی مردم ترجیح می‌دهند که پولشان را در جانی سرمایه‌گذاری کنند که با آن آشنا هستند. مثلاً می‌روند، دلار، طلا، خانه و زمین می‌خرند که هر زمان هم خواستند سریعاً به پول نقد تبدیل می‌کنند.

امکان کلاهبرداری در بورس

یک سری اشکالات درونی هم در

باید راه‌های کلاهبرداری در بورس را بست

بورس تهران وجود دارد. مثلاً گفته می‌شود افراد می‌آیند سهام می‌خرند و وقتی می‌خواهند بفروشند نمی‌توانند. این به مکانیزم داخلی بورس برمی‌گردد. در بورس تهران از متخصصین یا بازارسازان (کسانی که در بازار بورس تعادل ایجاد می‌کنند) خبری نیست. روش‌های اجرائی در بورس هم باید تغییر کند. در شرایط فعلی کسی که سهمی را می‌خرد باید چند ماه انتظار بکشد تا برگه سهم خریداری شده را بگیرد. این حرف معنایش این است که اگر بخواهد سهمش را هم بفروشد باید چند ماه در صف انتظار بایستد.

مدیران نمی‌توانند براساس اطلاعات محرمانه‌ای که دارند، قبل از انتشار آن اطلاعات، سهامی را بخرند و سود ببرند یا اگر اخبار نامساعدی دارند بیایند و سهامشان را بفروشند بعد خبر را پخش کنند. در آمریکا معمول است که اگر مدیر شرکت یا سهامدار عمده‌ای سهام بورس را بخرد یا بفروشد، باید سریعاً موضوع را به اطلاع مراجع رسمی برساند تا بعداً بتوان اعمال او را مورد بررسی قرار داد. اما متأسفانه در ایران چنین قوانینی نداداریم و می‌شود چنین کلاهبرداری‌هایی را انجام داد.

بورس سرعت بخشیدن به انجام معاملات است که متأسفانه بورس تهران در این زمینه کند عمل کرده است. البته این وضع ناشی از دلایل مختلفی است. اول این که بورس ما «نوپا» است، ثانیاً فرآیند اطلاع رسانی خوب نیست. بورس باید اطلاعاتی را که در مورد شرکت‌ها می‌رسد سریعاً منتشر کند، اما اینجاست که اوقات اطلاعات مربوط به یک سال قبل هم در اختیار نیست. در اینجا تنها کسانی که اطلاعات دست اول دارند نفع می‌برند. دکتر جهانخانی در پاسخ این سؤال که چرا دولت شرکت‌های سودآور را

سازی می‌بایست سیاست تثبیت اقتصادی را اجرا کند. یعنی بیاید یک محیط مطمئن اقتصادی را فراهم کند زیرا وقتی که محیط ناامن باشد رغبت به خرید سهام کم می‌شود.

ماجرای ایران وانت

همانطور که در آغاز این گزارش آمد در آخرین روزهای سال ۷۲، در یک رقابت تنگاتنگ بین کارگزاران نمایندگان سه شرکت میتوسویی (گرامی) زیراکس (علاقند) و یک شرکت که آن زمان نام اعضای یا صاحبانش مشخص نشد، ۶۷ درصد

شرکت‌ها هم در پرداخت سود سهام مشکل ایجاد می‌کنند. کسی که چند سهم خریده باید برای دریافت سود ناچیز سهامش تا چند کیلومتری جاده کرج برود، در این رابطه می‌بایست قوانینی در حمایت از سهامداران جزء وضع شود و هدف این قوانین تعیین جرائم سنگین برای سهام‌داران اکثریت باشد که ممکن است منافع شرکت را در جهت خود به کار گیرند. دولت باید مقررات بازار بورس را جامع‌تر کند تا بتوان از امکان تبانی و کلاهبرداری و دستکاری قیمت سهام توسط افراد معدود جلوگیری کرد. به چند طریق می‌شود در بورس کلاهبرداری کرد.

اول تبانی در مورد قیمت‌ها است. یعنی چند نفری می‌نشینند و با هم تبانی می‌کنند و با خرید و فروش‌های صوری موجبات کاهش یا افزایش قیمت را فراهم می‌کنند. مثلاً با پخش اخبار کاذبی در مورد سهم یک شرکت قیمت آن را پائین می‌آورند بعد آن را می‌خرند و با پخش اخبار خوش‌آیند قیمتشان را بالا می‌برند.

طریقه دیگر استفاده از اطلاعات محرمانه شرکت‌ها در بازار است. در بازار بورس کسانی که اطلاعات محرمانه دست اول دارند می‌توانند سود ببرند. برای همین در دنیا قوانینی وضع شده است که افرادی که در شرکت‌ها به اطلاعات دسترسی دارند قانوناً از استفاده از این اطلاعات منع شده‌اند. مثلاً

دلیل فروش شرکت‌های سود ده

دکتر جهانخانی در این مورد که چرا بورس نتوانسته در زمینه خصوصی‌سازی موفق باشد، و اصولاً فعالیت بورس بر چه زمینه‌هایی استوار است می‌گوید: کار بورس در همه کشورهای این است که خرید و فروش سهام را انجام بدهد نقش دیگر بورس تعیین قیمت مناسب است. هر بورسی که این دو کار را خوب انجام دهد بورس موفق است. بورس باید صحیح قیمت‌گذاری کند و زمینه شکل گرفتن قیمت عادلانه را فراهم کند نه این که خودش قیمت بدهد، از طرفی همانطور که اشاره کردم کار

می‌فروشد گفت اگر فکر می‌کنید که می‌توان شرکت‌های زیان‌ده را به بخش خصوصی فروخت اشتباه می‌کنید، مطمئناً کسی که به فکر خرید شرکتی است به سود آن نظر دارد. بنابراین دولت مجبور است ابتدا شرکت‌های سود ده خود را بفروشد که این عمل تا حدودی هم دارد انجام می‌شود. در کشور ما که نرخ بهره بالا است و در خارج از سیستم بانکی به ۴ درصد در ماه یعنی ۵۰ درصد در سال می‌رسد نمی‌توان انتظار داشت سرمایه‌داران با فعالیت در بورس ریسک کنند. ما در گزارشی برای سازمان صنایع ملی نوشتیم که دولت مقدم بر خصوصی

سهام شرکت دولتی ایران وانت، در بزرگ‌ترین معامله تاریخ بورس به قیمتی حدود ۷ میلیارد تومان به کارگزار شرکت سوم (زرگانی نژاد) فروخته شد. یک ماه بعد از فروش شرکت مهندس «سید مصطفی میری» عضو هیأت‌امنا مؤسسه مالی پیشگامان سازندگی در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و ضمن اعلام اسامی اعضای هیأت‌امنا این مؤسسه اهداف آن را تشریح کرد.

«مهندس میری» در این مصاحبه اعلام کرد که در این معامله شرکت سرمایه‌گذاری وابسته به مؤسسه پیشگامان سازندگی با حدود ۵۰ هزار نفر عضو بسیجی و شرکت تعاونی احرار با



مثلاً اینجا بورس تهران است و آنکه دست خود را بالا برده یک کارگزار بورس است و موافقت خود را با خرید سهم برای یک خریدار اعلام می‌کند.

تفاوت‌های اساسی بورس تهران با بورسهای دیگر

۱۰ هزار عضو آزاد مشترکاً عمل کردند. او در این مصاحبه اظهار داشت: - سرمایه اولیه این مؤسسه که در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۵ آگهی تأسیس آن در روزنامه رسمی کشور به چاپ رسید ۱۰ میلیون تومان بود و اعضاء هیأت امانه آن آقایان حمید میرزاده، علی لاریجانی، محسن رضانی، علی شمعانی، علیرضا افشار، محسن رفیقدوست، محمد سعیدی کیا، حجت الاسلام علی غیوری، سید علی نقی سید خاموشی، علی فلاحیان و غلامرضا فروزش می باشند. هیأت امانه تنها نقش گرداننده را داشته و خود و وارث قانونی آنها هیچ گونه حق و سهم و منافعی در این مؤسسه و شرکت‌های تابعه آن‌ها نداشته و هیچ گونه حق و مزایایی از مؤسسه پیشگامان سازندگی دریافت نخواهند کرد و در صورت انحلال آن کلیه اموال منقول و غیرمنقول آن به دولت جمهوری اسلامی ایران تعلق خواهد گرفت.

وی اظهار داشت، این مؤسسه کاملاً خصوصی است و هیچ گونه وابستگی به هیچ یک از سازمانها و نهادها و وزارتخانه‌ها ندارد و بودجه آن از محل سرمایه گذاری شرکت‌هایی که به این مؤسسه ملحق شده‌اند تأمین شده است.

«مهندس میری» گفت: مؤسسه علاوه بر جذب سرمایه‌های بخش خصوصی در صنعت خودرو و همکاری صمیمانه با کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی علاقمند به تولید و سرمایه گذاری در صنعت خودرو در زمینه شیلات نیز فعالیت می‌کند و در این رابطه اولین کارگاه پرورش میگو در آبادان ایجاد شده است. همچنین در زمینه بهسازی راه آهن تهران، اصفهان و تهران، مشهد نیز قرار است با راه آهن جمهوری اسلامی ایران همکاری کنیم. وی گفت: تا بحال ۵۰ شرکت تحت پوشش مؤسسه تشکیل شده است که در چند استان نیز شرکت‌هایی تأسیس گردیده و در آینده این کار ادامه خواهد یافت.

او در زمینه حقوق گردانندگان مؤسسه اظهار داشت. حقوق آن‌ها از محل کمک‌های شرکت‌های وابسته به مؤسسه تأمین می‌شود و همچنین بودجه

مؤسسه نیز از طریق این شرکت‌ها تأمین می‌گردد.

مهندس میری همچنین گفت: این مؤسسه با دستور ریاست محترم جمهوری تشکیل شده است و هدفش سازماندهی و پشتیبانی از نیروهای حزب الهی در صحنه‌های اقتصادی و به منظور کمک به استقلال کشور است.

«مهندس میری» گفت: منابع مالی ما از طریق عرضه سهام «شرکت سرمایه گذاری پیشگامان» وابسته به عموم

او در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسیده بود: اشخاص به قول شما عضو هیأت امانه و در آگهی تأسیس مؤسسه «مؤسسه پیشگامان سازندگی» همگی از اشخاص ذی نفوذ و رده بالای دولتی محسوب می‌شوند آیا از نفوذ و امکانات این شخصیت‌ها در خریدها و فعالیت‌های شما استفاده می‌شود. مثلاً آیا شما از وجود آقای خاموشی برای کسب اطلاعات در خرید «ایران وانت» بهره‌مند شدید؟ گفت:

- تعیین قیمت در اینجا براساس مسائل کارشناسی انجام می‌شود. مثلاً در فروش همین شرکت ایران وانت قیمت سهام با در نظر گرفتن کلیه بدهی‌های مالیاتی انجام شده است.

● آیا سهام ایران وانت را اشخاص با نام خریدند؟

- فعلاً این سهام به اسم چهارده نفر خریداری شده است. طبق گفته کارگزاران اینها چهارده شخص حقوقی هستند که هر کدام بیش از ۵ درصد سهم ندارند یعنی اینها احتمالاً سهام را به نام شرکت پیشگامان سازندگی می‌کنند و آنها هم به جانبازان می‌دهند.

آقای رجانی سلماسی در مورد تأخیر در ثبت و نقل و انتقال سهام می‌گوید: طبق قانون تجارت سهامی که خریداری می‌شود باید ثبت شود. ابتدا به اداره پایابای می‌رود و نماینده این اداره آن را به نماینده شرکت می‌دهد که سهام خریداری شده را در دفتر شرکت ثبت کند. هفته بعد هم برگه را می‌آورند و تحویل می‌دهند. انکار نمی‌کنیم که در گذشته این مشکل را داشتیم. البته از جانب کارگزاران یا سهامداران هم تأخیر می‌شود البته بعضی از شرکت‌های هم کاهلی می‌کنند.

در بورس‌هایی که مجهز به کامپیوتر است اسم فروشنده سریعاً از کامپیوتر حذف و نام خریدار جایش را می‌گیرد و این سرعت معامله را به چند ساعت و چند دقیقه می‌رساند اما ما باید آنها را در دفاتر مختلف ثبت کنیم، لذا در حال حاضر مشغول کامپیوتری کردن کارها هستیم.

رئیس بورس تهران در پاسخ به این سؤال که در فروش عمده سهام معمولاً اطلاعات کامل را در اختیار خریداران قرار می‌دهند، در مورد ایران وانت این کار انجام شد گفت؟

- بله نمایندگان هر سه شرکت از کارخانه بازدید کردند. اطلاعات لازم در اختیار آنها قرار گرفت و همه با شرائط مساوی وارد میدان شدند. ورود ناگهانی و بدون اطلاع و بدون آگاهی که نداشتند حتی علاقمند از یک سال پیش در حال مذاکره با سازمان گسترش برای عقد قرارداد بود. □

ایران وانت درآینه آمار

شرکت ایران وانت که در سال ۱۳۳۱ تأسیس شده بود در ۱۳۳۸ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. سرمایه ثبت شده آن ۵۰۰ میلیون تومان منقسم به ۵ میلیون سهم ۱۰۰ تومانی با نام بود. ایران وانت با ۲۵۵۳۵۹ متر زمین و ساختمان اداری و کارخانه‌ای، ۸۵۸ نفر پرسنل دارد. این کارخانه در سال ۷۱-۹۱۸۲ دستگاه وانت ۱۶۰۰ تولید کرد. جمع دارائی‌های ثابت و جاری و سایر دارائی‌های این شرکت بنا به آمار موجود در سال هفتاد و یک، ۲۷۹/۳۶۷/۶۱۶/۷۸ ریال بود. میزان فروش و سود قبل از کسر مالیات شرکت ایران وانت در سال‌های ۷۰ و ۷۱ و برآورد بودجه سال ۱۳۷۳ به این ترتیب است.

ارقام به میلیون ریال

سال	۱۳۷۳	۱۳۷۱	۱۳۷۰
فروش	۱۲۸۴۲۰	۷۷۲۶۲	۵۳۲۸۶
سود قبل از کسر مالیات	۱۷۶۲۷	۱۲۲۶۰	۱۹۳۶۳

(توضیح: حساب‌های مربوط به سال مالی ۷۲ هنوز مشخص نشده است)

ضمناً ۱۰۰٪ سهام شرکت شاسی ساز ایران با مشخصات ذیل به شرکت ایران وانت واگذار شده است.

۱- کل هزینه اجرای طرح شاسی سازی بالغ بر ۱۷/۷ میلیارد ریال برآورد شده که تاکنون بالغ بر ۱۵ میلیارد ریال، هزینه شده است.

۲- ده میلیارد ریال از هزینه اجرای طرح توسط سازمان گسترش پرداخت شده که در جریان تبدیل به سرمایه شرکت ایران وانت می‌باشد.

۳- هزینه ارزی طرح بالغ بر ۲۵ میلیون دلار است (شامل ۲۱ میلیون دلار دولتی و ۴ میلیون دلار رفاتی و ۲ میلیون دلار شناور).

خیر! ما حتی با سازمان گسترش (فروشنده ایران وانت) مذاکره هم نکردیم و بدون اعلام قبلی در بورس شرکت کردیم.

رئیس بورس تهران چه می‌گوید؟

آقای «رجانی سلماسی» رئیس بورس تهران در پاسخ به این سؤال ما که آیا تعیین قیمت در بازار بورس تهران عادلانه است یا نه و مثلاً فروش سهم ایران وانت چگونه بوده است، گفت:

نیروهای حزب الهی تأمین می‌شود که تاکنون ۵۰ هزار نفر بسیجی در شرکت سرمایه گذاری پیشگامان عضوگیری شده‌اند...

«مهندس میری» در پاسخ سؤالی که پرسیده شده بود: شرایط عضویت نیروهای حزب الهی در شرکت شما چیست؟

گفت: - شرایط عضوگیری و واگذاری سهام متعاقباً از طریق جراید به اطلاع عموم خواهد رسید.